



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۱	تاریخ	۱۴۰۳/۰۸/۱۹
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	اشکالات بر مقدمات استدلال				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

گفتیم که استدلال به آیه نفر، مبتنی بر دو مقدمه است؛ یکی تلازم بین وجوب حذر و حجیت خبر و دیگری دلالت آیه بر وجوب حذر. بحث ما در تلازم بین وجوب حذر و حجیت خبر به پایان رسید و در بحث دلالت آیه بر وجوب حذر، وجوهی را بیان کردیم و گفتیم سه تقریب برای دلالت آیه بر وجوب حذر وجود دارد.

تقریب اول مبتنی بر این بود که «لعل»، مفید مطلوبیت مدخولش است و مطلوبیت مدخول نزد خداوند، دلیل بر وجوب آن است. در این تقریب، اشکالاتی گرفته شده که از جمله اشکالات، این بود که «لعل» دلالت بر مطلوبیت مدخول ندارد؛ بلکه صرفاً معنای محتمل الوقوع بودن مدخول را می دهد؛ لذا در مواردی نیز به کار می رود که مدخول آن نامطلوب است؛ مانند آیه کریمه «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^۱. اشکال دیگر این بود که این مطلوبیت، با حسن مطلق حذر نیز سازگار است. معنای مطلوبیت نزد خداوند، این نیست که از آن افاده وجوب حذر بشود؛ بلکه ممکن است مطلوب نزد خداوند باشد؛ اما ملازمت با وجود حذر نداشته باشد.

بحث امروز در اشکال بر وجه دومی است که در تقریب دلالت آیه بر وجوب حذر بیان شده است.

اشکال شهید صدر رحمته الله بر تقریب دوم دلالت آیه بر وجوب حذر

همانطور که در گذشته بیان شد، تقریب دوم، مبتنی این است که اگر حذر واجب نباشد، لازم می آید که انذار لغو باشد. انذار در وقتی معقول است و وجه دارد که نتیجه بر آن باشد شود و نتیجه، حذر است.

۱. سوره شعراء: ۳.

استاد شهید رحمته الله علیه بر این تقریب ایرادی دارند و حاصل تقریب ایشان این است که اجمالاً ممکن است که امری غایتی نزد مولا داشته باشد اما مولا برای احتیاط، تکلیف خودش را اوسع از دایره غرض قرار بدهد. بنابراین ممکن است در اینجا، غرض مولا بر حذری که موجب علم است بار شود؛ نه از مطلق انذار؛ در این صورت، آیه دلالتی بر حجیت خبر نمی‌کند.

توضیح این اشکال استاد شهید را در سه بند بیان می‌کنیم:

بند اول: احتیاط، گاهی احتیاط در تکلیف است و گاهی احتیاط در امتثال. احتیاط در تکلیف، کار مولاست و احتیاط در امتثال، کار عبد است. گاهی مولا بیش از دایره غرض خودش، تکلیف را توسعه می‌کند تا اینکه آن غرض حتماً ذیل این تکلیف حاصل شود؛ چراکه اگر تکلیف را به دایره غرض محدود کند، ممکن است احیاناً غرض تفویت شود. برای اینکه تکلیف به گونه‌ای باشد که حتماً این غرض بر آن مترتب باشد، تکلیف را اوسع از دایره غرض قرار می‌دهد. فرض کنید که دایره غرض مولا در امر به انقاذ غریق، به انقاذ غریق مسلم اختصاص داشته باشد؛ اما دایره تکلیف را اوسع قرار می‌دهد و می‌گوید: «انقاذ الغریق» به صورت مطلق؛ زیرا اگر بگوید: «انقاذ الغریق المسلم»، ممکن است در موردی، عبدی که می‌خواهد امتثال کند، به خیال اینکه شخص در حال غرق شدن، کافر است، آن را نجات ندهد؛ اما او در واقع مسلم باشد. برای اینکه چنین مواردی پیش نیاید و غرض حتماً حاصل شود، مولا تکلیف را اوسع از غرض بیان می‌کند.

این قاعده، در بسیاری از تقنینات عادی نیز جاری است؛ مثلاً غرض از اینکه عبور از چراغ قرمز ممنوع است، این است که هرج و مرج و تصادف صورت نگیرد؛ اما قانون را به صورت مطلق می‌گذارند و می‌گویند اگر جاده خلوت خلوت هم بود، باید در برابر چراغ قرمز توقف کنید. این یک قاعده متعارفی است که در بسیاری از قوانین عرفی جریان دارد و ممکن است که شارع نیز چنین تکلیف وضع کند. به این نوع احتیاط، احتیاط در مقام تکلیف گفته می‌شود که از مولا صادر می‌شود.

احتیاط در مقام امتثال، در جایی است که شخص در مقام امتثال - چه مقترن به علم اجمالی باشد و چه نباشد - موارد مشکوک را نیز امتثال می‌کند تا آن حکم واقعی را امتثال کرده باشد. این، توسعه‌ای است که مکلف در مقام تکلیف انجام می‌دهد.

بند دوم: ممکن است در آیه نفر، مولا احتیاط در تکلیف کرده باشد و دایره تکلیف را اوسع از دایره غرض قرار داده باشد؛ یعنی غرض، به حذر از خصوص انذار موجب علم تعلق گرفته باشد؛ لکن مولا تکلیف را اوسع قرار می‌دهد و می‌گوید حذر برای هر اندازی - اگرچه موجب علم هم نشود - لازم است.

بند سوم: در جواب اینکه گفته می‌شود از واجب نبودن حذر، در هنگام وجوب انذار، لغویت لازم می‌آید، می‌گوییم ممکن است که حذر از خبر غیر موجب علم در غرض مولا واجب نباشد؛ اما انذار را مطلق آورده است؛ یعنی ممکن است که اگر انذار، انذار موجب علم نبود، حذر واجب نباشد؛ اما مولا برای احتیاط در مقام تکلیف، انذار را مطلق آورده است؛ لذا لغویت لازم نمی‌آید.

بنابراین در جواب لغویت، چنین می‌توان گفت که ممکن است حذر از انذار غیر موجب علم واجب نباشد؛ اما وجوب انذار، مطلق باشد. پس این چنین نیست که اگر انذار باشد، حذر نیز واجب باشد و اگر نشود، انذار لغو باشد؛ بلکه با وجود عدم وجوب حذر، ممکن است وجوب انذار لغو نباشد. بدین صورت که ممکن است که غرض در واقع، مترتب بر حذر

نشأت گرفته از انذار موجب علم باشد؛ اما مولا تکلیف را بر انذار مطلق قرار می دهد تا حتماً غرض حاصل شود و چیزی از غرض، احیاناً فوت نشود.^۱

اشکال بر بیان شهید صدر رحمته الله

ما در اینجا تعلیقی بر بیان استاد شهید داریم. اینکه در مقام ثبوت ممکن باشد دایره تکلیف، اوسع از دایره غرض باشد، کلامی است که اشکالی در آن وجود ندارد؛ در نتیجه در ما نحن فیه ممکن است وجوب حذر، مخصوص مواردی باشد که انذار، موجب علم است؛ اما این ربطی به مقام اثبات ندارد. ما غرض را نیز از آیه می فهمیم و راهی برای دست یابی به غرض مولا نداریم غیر از اینکه در مقام اثبات، کاشفی از غرض مولا وجود داشته باشد. لذا هنگامی که مولا «لِيُنْذِرُوا» را مطلق بیان می کند و بعد حذر را بر همین انذار مطلق مرتب می کند، مشکل بر جای خود باقی خواهد بود؛ زیرا در مرتب کردن حذر بر مطلق انذار در مقام اثبات، در هنگامی که حذر در واقع مخصوص انذار موجب علم باشد، موجب لغویت این اطلاق خواهد شد؛ نه اصل وجوب انذار. به عبارت دیگر، اگر غرض، مرتب بر خصوص انذار موجب علم باشد، از اطلاق «لِيُنْذِرُوا» لغویت لازم می آید. اما از کجا می شود فهمید که غرض مولا، بر حذر مرتب خصوص انذار موجب علم است؛ بلکه شاید غرض مولا، مرتب بر حذر اعم از انذار موجب علم یا حذر غیر موجب علم باشد.

بنابراین ممکن است در عالم ثبوت، غرض مولا اضیق از اطلاق دایره «لِيُنْذِرُوا» باشد؛ اما در مقام اثبات، ما نمی توانیم به این ممکن عمل کنیم؛ بلکه در مقام اثبات می گوئیم که «لِيُنْذِرُوا» مطلق است، در نتیجه، از اطلاق، غرض کشف می کنیم. از اطلاق، غرض مولا کشف می شود؛ نه اینکه در نزد خودمان ابتدا غرض مولا را فرض کنیم و بعد بخواهیم طبق آن آیه را معنا کنیم. بله؛ ممکن است غرض اصلی مولا حذر از انذار موجب علم باشد؛ اما ما راهی به غرض مولا نداریم جز آنچه در آیه بیان شده است و آیه می فرماید: «لِيُنْذِرُوا... لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» و آیه نیز اطلاق دارد و می گوید این حذر، از مطلق الانذار واجب است؛ پس باید بگوئیم که غرض مولا، بر حذر از مطلق الانذار مرتب شده است.

۱. متن تقریرات درس شهید صدر رحمته الله چنین است: «فیرد علیه: أنه من المحتمل كون وجوب الحذر مختصاً بفرض حصول العلم مع كون وجوب الإنذار مطلقاً لدعوى مطلوبية الإنذار في نفسه، كي يجاب على ذلك بأن الظاهر من إيجاب الإنذار هو كونه بداعي التحفظ على الأحكام، لا بداعي مطلوبية نفسه، بل لأن من الممكن أن يوجب المولى الإنذار على الإطلاق حتى لا يفوت المطلوب في مورد كان يترتب عليه العلم، وكان العبد يتخيل أنه لا يترتب عليه العلم، وهذا احتياط من قبل المولى في توسعة دائرة الأمر، كي لا يفوت عليه المطلوب في موارد خطأ العبد واشتباهه في التمييز. وهو غير الأمر بالاحتياط الذي قد يوجه إلى العبد للعمل به في ظرف الشك، فالأمر بالاحتياط لا يحفظ غرض المولى عند خطأ العبد وجزمه بالخلاف، بخلاف احتياط المولى بتوسعة دائرة الحكم الواقعي. فمثلاً قد يأمر المولى عبده بإنقاذ ابن المولى، وقد يأمره بالاحتياط بإنقاذ من شك في كونه ابناً للمولى وعدمه، ولكن لو اعتقد العبد خطأ بأن الغريق ليس ابن المولى، فهنا قد يفوت الغرض على المولى، فقد يسد المولى هذا الباب بأمر العبد لإنقاذ كل غريق راه رغم أن المطلوب الأصلي هو إنقاذ ابنه، فهنا قد وسع المولى دائرة حكمه الواقعي لأجل جهله بموطن الغرض، بل لأجل جهل العبد الذي لم يمكن إعلامه بالحال، فكان لابد في علاج الموقف من توسعة دائرة الحكم. فلنصور فيما نحن فيه ما يكون من هذا القبيل، فالعبد قد يعتقد أن إنذاره سوف لا يوجب العلم، بينما هو في الواقع قد يوجب العلم لمن أنذره مباشرة، أو لإنسان آخر يعيش في هذا العرض العريض المكاني أو الزماني الذي سيصله هذا الإنذار، وسيحصل له العلم بسبب هذا الإنذار، ولو بمعونة ضمه إلى إنذار مندرين آخرين، فالمولى قد أوجب الإنذار على الإطلاق رغم أن الحذر لم يكن واجباً إلا عند حصول العلم، وذلك بغرض الحفاظ على الملاك في مورد يوجب الإنذار العلم، ولكن العبد يتخيل عدم تأثير إنذاره في حصول العلم لأحد». «مباحث الأصول؛ الجزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۲ و ۴۸۳.

خلاصه، اینکه در مقام ثبوت ممکن است چنین باشد، کلام درستی است؛ اما ماییم و مقام اثبات و آنچه در مقام اثبات آیه می فهماند، ترتب وجوب حذر بر مطلق الانذار است و این کشف می کند از اینکه غرض، بر حذر بارشده بر مطلق الانظار است؛ نه حذر نشأت گرفته از خصوص انذار موجب علم؛ بنابراین این بیان استاد شهید، به نظر ما بیان تامی نیست.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين